

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان



مرثیه ای از شاعری توانمند (فدائی) در رثای "رهبر" خردمند
۲۷ جنوری ۲۰۱۲

آذرخش

دریغ و آه از آن آیت سپیده دمان
دریغ و آه از آن قامت بلند زمان
دریغ و آه از آن آذرخش توفان را
دریغ و آه از آن یکه تاز بی پروا
که درسیاهی شب همچو مشعلی تابان

خמוש گشته به یکدم ز جور خفاشان
ستم نگر که چه نخلی ز بوستان امید
ز پا فتاد و به سوگش زمان سیه پوشید
دریغ از آن پدر انقلاب و حماسه
که بی خبر بُد از آن گژدم سیه کاسه
که روبهانه ز سوراخ شب برآرد سر
به شیر شرزه برد حمله روبهی لاغر

ندید خصم چو در کارزار مانندش
به حيله در دل ظلمت ز پا در افگندش
الا بهین خلف پاک ملت و میهن
الا گزین شرر افروز خرمن دشمن
الابه اوج شرف آسمان ستاره ی عشق
سبک رکاب میادین برج و باره ی عشق
عقاب وار بر افلاک جاودان رفتی
نبود در خورت این تنگ آشیان رفتی
جدائی تو زمیهن به روزگار این بس
که بُعد فاصله طی شد بیای یک دونفس
به بال آتش و خون از فراز کوه و کمر
شدی به کوی شهیدان عشق راهسپر
ز تیر کینه و بیداد نا جوان مردان
زدی تو بیخبر از خویشتن بخون جولان
گداخت سینه ی دشمن ز پایداری تو
ز عزم راسخ و ایمان و استواری تو
ز بسکه مشفق و دانا و مهربان بودی
چراغ محفل شب های همرهان بودی
تورا که بود دل روشن و یتیم پرست
چرا زمانه به سنگ جفا و کینه شکست
تو رفتی و ره و رسمت ز سر کی میگیرد
ز دودمان شهیدان خبر کی می گیرد
زنان بیوه ازین پس تو را کجا جویند
گل وجود تو را بی کسان کجا بویند
زمان که داغ عزیزان نهاد بر دل تو

بغیر همت و الا ندید حاصل تو
زقید و سوسه و زرق اهرمن رستی
کمر به عرصه ی آزادی وطن بستی
به دام هیله و نیرنگ پای ننهادی
بروی خصم دغل باب صلح ننگشادی
توگرچه رفتی نام تودرجهان باقی است
به لوح سینه ی تاریخ جاودان باقی است